



Research Institute of
Hawzah and University

Methodology of Social Sciences and Humanities

Journal homepage: <https://method.rihu.ac.ir/>



Original Article

An Introduction to the Methodology of Islamic Future Studies

Majid Mohammadlu¹, Mahdi Ahmadian²

1. PhD Student, Theology and Islamic Studies, Theology, Imam Sadegh University, Tehran, Iran.

m.mohammadlu73@gmail.com

2. Assistant Professor, Futures Studies Department, National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

m.ahmadian@ut.ac.ir

Received: 2024/07/23; Accepted: 2025/10/23

Extended Abstract

One of the most important elements of studying scientific disciplines and their differences from each other is the issue of method. Methodology is a branch of science that studies method. The importance of method and methodology is due to the worldview based on the philosophy of the modern period; therefore, when there are different philosophical principles, the scope of subjects, problems, methods, and as a result the methodology of knowledge will also be different. This research has explained the methodology of future studies and some of its methods. Therefore, the method and methodology in future studies require a framework of foundations based on Islamic concepts. The different worldviews, epistemology, and anthropology of Islam introduce another realm of knowledge and transform the realm of subjects, issues, and methods of knowledge. Therefore, because the principles of method and methodology of modern human sciences use different philosophical foundations, it causes conflict in two worlds of knowledge, so the Paradigm Shift can be used to explain this situation. This research examines the studies of Islamic futures studies and examines the ratio of its method and methodology with what is discussed in conventional futures studies. This is done in several stages; first, a brief introduction to the Islamic futures studies movement and its nature is given, Then its methodology is explained and the issue of experience and rationality as two common methods in Islamic futures studies and common futures studies is discussed; Finally, several methods based on the framework of Islamic thought are introduced. In terms of data and their analysis, this article is a qualitative research that was organized based on the description and analysis of information taken from Islamic futures studies and was organized based on the following steps; Inspired by the "normative-cognitive framework", the comprehensive analysis of the methodology of Islamic futures studies requires the establishment of a cognitive-normative framework based on Islamic concepts. This framework is a set of general metaphysical principles, specific principles related to knowledge, processes, and as a result, methods and means of realization according to this consistent paradigm, which can be a basis for theorizing, method, methodology,





Research Institute of
Hawzah and University

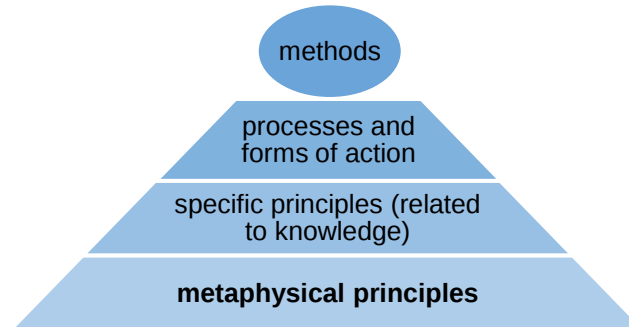
Methodology of Social Sciences and Humanities

Journal homepage: <https://method.rihu.ac.ir/>



Original Article

and methods of action. According to Sorel's point of view, this framework has four elements, the connection and combination of which creates the textual paradigm.



The elements of Sorel's cognitive-normative frames (2000: 497)

The most important characteristics of the methodology of Islamic futures studies are:

- Based on the principles of Islamic epistemology and Elements of Muslim Scientology;
- Validity of revelatory, rational, and experimental methods and non-exclusivity in experience;
- Suitability of the method to the appropriate subjects;
- Compatibility with intentions, goals, and norms of religious life.

The common methodological principle of future studies is the combined validity of revelation, rational, and experimental methods and it is divided into two categories "text-oriented" and "non-text-oriented" methods. The methodology of receiving from the text (text-oriented) is the technique of collecting information from Islamic texts and the method of analyzing and classifying them, which is related to a topic or issue from the topics and issues of human sciences. The goal is to discover the opinions and viewpoints of Islamic texts about that subject or issue. The two methods of exegeses (tafsir) and pondering over the meaning of the verses of the Qur'an "Tadabbur" are the most important methods of this type of methodology. Non-text-oriented methodology seeks to identify the nature, causes, and factors of events, phenomena, and human actions and discover the relationships and correlations between them. This methodology emphasizes the centrality of reason. In the realm of epistemology, reason is used both as a source of knowledge and as a tool for obtaining knowledge, which itself appears in the form of various types of descriptive, explanatory, argumentative, and interpretive methods. The comparison of rational teachings with religious teachings must have a disciplined framework; Maqasid-e-Shari'at (Objectives of Islamic Laws) and understanding "principles of religion" based on the evaluation system are the most important foundations of this framework. Therefore, rational methods are not negated in Islamic future studies, and various types of interpretive, descriptive, argumentative, elite, statistical, and observational methods are taken into consideration in Islamic future studies. But rationality is explained in the framework of the realm of religion and paying attention to its presence.

Keywords: Futures Studies, Islamic Futures Studies, Cognitive-Normative Framework, Method, Methodology.

Cite this article: Majid Mohammadlu & Mahdi Ahmadian. (2024), "An Introduction to the Methodology of Islamic Future Studies,, ee hleddoogy of oollll lllll ll s nnd ,, mnnssss' 0(120): 57-75.



Research Institute of
Hawzah and University

روش‌شناسی علوم انسانی

Journal homepage: <https://method.rihu.ac.ir/>



نوع مقاله: پژوهشی

درآمدی بر روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی

مجید محمدلو^{۱*}، مهدی احمدیان^۲

۱. دانشجوی دکتری، الهیات و معارف اسلامی، الهیات، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران.

m.mohammadlu73@gmail.com

۲. استادیار، گروه آینده‌پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

m.ahmadian@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲

چکیده گسترده

یکی از مهمترین محورهای مطالعه رشته‌های علمی و تفاوت آنها با یکدیگر مسئله روش است. روش‌شناسی متکفل مطالعه و بررسی روش و قابلیت و اعتبار آن در دستیابی به واقعیت پدیده‌ها و تحقق اهداف دانشی است. برخلاف برخی دیدگاه‌ها که اهمیت روش را در شیوع استفاده آن نسبت به سایر ارکان علم (موضوع، غایت) می‌دانند، اهمیت یافتن روش و روش‌شناسی ناشی از جهان‌بینی مبتنی بر فلسفه دوره مدرن است. بنابراین، وقتی مبانی فلسفی مختلفی وجود داشته باشد، قلمرو موضوعات، مسائل، روش‌ها و در نتیجه روش‌شناسی نیز متفاوت خواهد بود. این پژوهش به تبیین روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی و برخی از روش‌های آن پرداخته است. روش و روش‌شناسی در آینده‌پژوهی اسلامی نیازمند چارچوبی از مبانی مبتنی بر مفاهیم اسلامی است. زیرا جهان‌بینی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی متفاوت اسلام، قلمرو دیگری از معرفت را معرفی می‌کند و قلمرو موضوعات، مسائل و روش‌های معرفت را دگرگون می‌کند. در این راستا این پژوهش به بررسی مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی می‌پردازد و نسبت روش و روش‌شناسی آن را با آنچه در آینده‌پژوهی متعارف مطرح است، بررسی می‌کند. این کار در چند مرحله انجام می‌شود؛ ابتدا به معرفی مختصر جریان آینده‌پژوهی اسلامی و ماهیت آن پرداخته شده، سپس روش‌شناسی آن تبیین شده و موضوع تجربه و عقلانیت به عنوان دو روش رایج در آینده‌پژوهی اسلامی و آینده‌پژوهی رایج مورد بحث قرار می‌گیرد. در پایان، برخی روش‌های مبتنی بر چارچوب اندیشه اسلامی معرفی می‌شود. این مقاله از نظر داده‌ها و تحلیل آنها، پژوهشی کیفی است که بر اساس توصیف و تحلیل اطلاعات برگرفته از مطالعات آینده‌پژوهی اسلامی سامان یافته است.

تحلیل جامع روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی مستلزم ایجاد چارچوبی شناختی-هنجاری مبتنی بر مفاهیم اسلامی است. این چارچوب مجموعه‌ای از اصول کلی متافیزیکی، اصول خاص مربوط به دانش، فرآیندها و در نتیجه روش‌ها و ابزار تحقق است که به عنوان پارادایمی منسجم می‌تواند مبنایی برای نظریه‌پردازی، روش، روش‌شناسی و روش‌های عمل باشد. بر اساس دیدگاه سورل، این چارچوب دارای چهار عنصر است:



ارکان چارچوب شناختی - هنجاری سورل (2000, P.497)



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



Research Institute of
Hawzah and University

روش‌شناسی علوم انسانی

Journal homepage: <https://method.rihu.ac.ir/>



نوع مقاله: پژوهشی

مهمترین ویژگی‌های روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی عبارتند از:

- ابتدا بر مبانی معرفت‌شناسی اسلامی و عناصر علم‌شناختی مسلمانان
- اعتبار توأمان روش‌های وحیانی، عقلی و تجربی و عدم انحصار در تجربه
- تناسب روش با موضوعات مختلف
- سازگاری با ارزش‌ها، اهداف و هنجارهای زیست دینی.

اصل مشترک حاکم بر روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی، اعتبار توأمان روش‌های وحیانی، عقلانی و تجربی است و به دو دسته روش‌های «متن محور» و «غیرمتن محور» تقسیم می‌شود. روش‌شناسی دریافت از متن (متن محور) فنون جمع‌آوری اطلاعات از متون اسلامی و روش تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی آنهاست که مربوط به موضوع یا موضوعی از موضوعات و مسائل علوم انسانی است. هدف، کشف نظر و دیدگاه متون اسلامی در مورد آن موضوع یا موضوعات است. دو روش «تفسیر» و «تدبر» از مهم‌ترین روش‌های این نوع روش‌شناسی هستند. روش‌شناسی غیرمتن محور به دنبال شناسایی ماهیت، علل و عوامل رویدادها، پدیده‌ها، کنش‌های انسانی و کشف روابط و همبستگی بین آنهاست. این روش‌شناسی بر محوریت عقل تأکید دارد. در قلمرو معرفت‌شناسی، عقل هم به عنوان منبع معرفت و هم به عنوان وسیله‌ای برای کسب معرفت مورد استفاده قرار می‌گیرد که خود در قالب انواع روش‌های توصیفی، تبیینی، استدلالی و تفسیری ظاهر می‌شود.

نسبت‌سنجی یافته‌های عقلی با آموزه‌های دینی باید در چارچوبی منسجم، منظم و برخوردار از معیار موجه باشد. «مقاصد شریعت» و شناخت «اصول دین» بر اساس نظام ارزشیابی از مهم‌ترین مبانی این چارچوب است. بنابراین در آینده‌پژوهی اسلامی نه تنها روش‌های عقلانی و غیرمتن محور نفی نمی‌شود بلکه انواع روش‌های تفسیری، توصیفی، استدلالی، نخبگانی، آماری و مشاهده‌ای نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. درعین حال عقلانیت در چارچوب قلمرو دین و توجه به حضور آن تبیین و تفسیر می‌شود.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، آینده‌پژوهی اسلامی، چارچوب شناختی-هنجاری، روش، روش‌شناسی.

استناد: مجید محمدلو، مهدی احمدیان (۱۴۰۳)، «درآمدی بر روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی»، مجله روش‌شناسی علوم انسانی، ۳۰ (۱۲۰)، ص ۵۷-۷۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

پاسخ به این پرسش که چه ویژگی‌هایی موجب تحقق دانش‌ها و تمایز آنها از یکدیگر می‌شود، همواره بخشی از تلاش‌های علمی دانشمندان و فیلسوفان علم را به خود اختصاص داده است. امروزه فلسفه علم و به‌طورکلی، علم‌شناسی به‌عنوان دانشی درجه دوم، مجموعه فعالیت‌های علمی را دربرمی‌گیرد که با بررسی ویژگی‌های مشترک حاکم بر فعالیت علمی، روش‌های به‌کاررفته در علوم، اعتبار قضایای علمی و... به ارائه معیارهای چستی علوم و تمایز آنها از یکدیگر می‌پردازد. این نوع علم‌شناسی مبتنی بر رابطه طولی،^۱ دربردارنده رویکردهای پسینی، پیشینی یا ترکیبی از این دو در مورد یک دانش و اجزای آن (مانند مبانی، روش، موضوع و غیره) است.

درحالی‌که در رویکرد کلاسیک تمایز علوم به مؤلفه‌هایی مانند موضوع (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۰)، غرض و محمول (مصطفوی فرد، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴ و ۲۴۰) بازمی‌گردد، اما در دوره جدید، ماهیت علم با روش پیوند داشته و روش نه تنها ملاک تمیز علوم از یکدیگر است، بلکه به عقیده برخی، ملاک علم از غیرعلم یا شبه آن نیز شناخته می‌شود؛ زیرا علم در دوره مدرن قائم به روش بوده و چنانچه بر فعالیت‌های علمی روش حاکم نباشد، امکان بقای آن وجود نخواهد داشت (سروش، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

تفکیک دانش با محوریت روش بینشی جدید است که ریشه در فلسفه دوره مدرن (با محوریت کانت) دارد که بعداً پوزیتیویست‌ها آن را مبنای روش‌شناسی خود قرار دادند؛ بدین‌نحوکه شناخت و تمایز دانش برپایه روش است نه موضوع (سروش، ۱۳۷۳، ص ۲۵)؛ بنابراین برخلاف برخی دیدگاه‌ها، اهمیت روش در دوره مدرن ناشی از توجه بیش از اندازه دانشمندان و توسعه بیشتر آن در نسبت با موضوع علم و تحت الشعاع قرار گرفتن مقوله موضوع در علم نبود؛ بلکه روش زائیده بینش و جهان‌بینی خاصی بود که برآمده از فلسفه دوره مدرن بود؛ فلسفه‌ای که اساساً پارادایم جدیدی در نوع نگاه به جهان، انسان و الهیات ارائه می‌کرد.

با حاکمیت نگرش جهان‌بینی علمی، حوزه الهیات و نگرش دینی نیز دستخوش تحول شده و با ظهور الهیات طبیعی،^۲ قوانین، سنت‌ها و نیروهای فراطبیعی که خداوند افزون‌بر قوانین طبیعی در نهاد هستی قرار داده است، در حوزه نظر (تبیین و توصیف پدیده‌ها و وقایع) و عمل (تجویز) نادیده گرفته شد. نفی ربوبیت و انکار دخالت وحی الهی در هدایت و سامان زندگی بشر، زمینه‌های جدایی حیات انسان از تعالیم الهی و پی‌ریزی دانش مبتنی بر حاکمیت خرد انسان‌بنیان را فراهم کرد (باربور، ۱۳۷۹، ص ۷۶). برآیند چنین هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، بروز تغییرات بنیادین در حوزه معرفت‌شناسی است که با حاکمیت و اصالت معرفت بشری و با تمایز بین حوزه دانش^۳ و علم،^۴ منابع علم را به تجربه تقلیل می‌دهد؛ زیرا با نفی قوانین ورای جهان ماده، تنها صورت معتبر معرفت و ادراک، معرفت تجربی و مادی قلمداد می‌شود و معرفت غیرتجربی ضمن تنافی با علم به حوزه انسانیات،^۵ اساطیر و حتی خرافات احاله داده می‌شود (محمملو و آقایی، ۱۴۰۱، ص ۱۵۸).

چنین دیدگاه معرفت‌شناسی، روش و در نتیجه روش‌شناسی خاص خود را به ارمغان می‌آورد و آزمون تجربی، تنها روش معتبر کسب معرفت می‌شود و روش‌های دیگری همانند تفسیر و تبیین مبتنی بر وحی روش غیرعلمی و نامعتبر تلقی می‌شود. براساس این علت توجه تمام‌عیار به روش در دوره مدرن ناشی از چنین اصول فلسفی پشتیبان است و مسائلی مانند اهمیت روش و فایده آن در کار علمی، جنبه فرعی ماجرای محوریت روش است.

اهمیت چنین رویکردی نسبت به روش و روش‌شناسی علم در جامعه علمی ما و لزوم توجه مضاعف به آن ازاین جهت است که با گسترش گفتمان اسلامی‌سازی و بومی‌سازی علوم انسانی، روش و نسبت آن با مبادی علم باید بیش از پیش توجه شود؛ زیرا جهان‌بینی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی متفاوت اسلام نه تنها قلمرو دیگری از معرفت را معرفی می‌کند، بلکه قلمرو موضوعات، مسائل و روش‌های دانش را نیز دستخوش تحول می‌کند که این تأثیر مستقیم در تبیین، توصیف و ارائه تجویز در باب نگرش‌ها و حیات عملی ما دارد و باتوجه‌به اینکه اصول روشی و روش‌شناسی علوم انسانی مدرن از آب‌شخورهای فلسفی متفاوتی بهره می‌برد، شاهد تنافی در دو جهان معرفتی

۱. مراد از رابطه طولی بین علوم، شناخت مدون دانش وضع (پایین‌دستی) در قالب دانشی شریف (بالادستی) است که از آن به شناخت درجه دوم (شناخت شناخت) تعبیر می‌شود.

2. Deism

3. Knowledge

4. Knowledge

5. Humanitism

هستیم؛ به‌طوری‌که می‌توان عبارت تغییر پارادایم^۱ را در تبیین این وضعیت به کار برد.

این پژوهش جریان آینده‌پژوهی اسلامی را به‌طور ویژه محل تأمل و بررسی خود قرار داده و نسبت روش و روش‌شناسی آن را با آن چیزی بررسی می‌کند که در رشته آینده‌پژوهی مرسوم مطرح است. سؤال اصلی این است که جایگاه روش و روش‌شناسی در دستگاه معرفتی آینده‌پژوهی اسلامی کدام است و از چه ویژگی‌های متمایزکننده در مقایسه با مدل مرسوم آن برخوردار است؟ اصل مشترک حاکم بر چنین روش‌شناسی چیست؟ در راستای پاسخ به این پرسش چند گام در پژوهش حاضر در ادامه طی خواهد شد.

پس از ارائه مبنای نظری شناختی چارچوب روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی معرفی اجمالی از جریان آینده‌پژوهی اسلامی و ماهیت آن صورت می‌گیرد. در ادامه روش‌شناسی حاکم بر آن بیان می‌شود و با پرداختن به مسئله تجربه و عقلانیت به‌عنوان دو وجه اشتراک روشی در آینده‌پژوهی اسلامی و مرسوم، نسبت آینده‌پژوهی اسلامی با آن بررسی می‌شود و سرانجام شماری از روش‌های مبتنی بر چارچوب اندیشه اسلامی معرفی می‌شود.

۲. مبنای نظری

روش‌شناسی دانش بررسی چیستی، چگونگی فرآیند، میزان قابلیت و توانمندی و اعتبار روش‌های گوناگون علوم در دستیابی به واقعیت پدیده‌های مورد مطالعه و میزان موفقیت آنها در نیل به اهداف آن علم است (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۳۱). این امر دارای پیشینه علمی در مکتب علم‌شناسی مسلمانان نیز است؛ به‌طوری‌که با برخی از ارکان رئوس ثمانیه در بررسی و شناخت یک دانش دارای ارتباط مستقیم است. «انحای تعلیم علم» و «جنس دانش» دو رکن از رئوس ثمانیه است که در ارتباط مستقیم با روش و روش‌شناسی هستند. منظور از اولی بیان و بررسی روش‌ها، ابزارها و شیوه‌های فراگیری یک علم و مراد از دومی سنخ علم از نظر عقلی یا نقلی، اصلی یا فرعی، یقینی یا ظنی، نظری یا عملی و شرعی یا غیرشرعی بودن آن است (اوجبی، ۱۳۹۵).

باوجوداین، صرف اتکا بر این دو رکن علم‌شناسی در بررسی روش‌شناسی آینده‌پژوهی کافی نیست؛ زیرا دانش آینده‌پژوهی مبتنی بر برخی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شناختی و هنجاری دیگری نیز است که در تبیین نظام معرفتی این دانش نقش اساسی دارند که این نیز به‌نوبه خود روش‌ها و در نتیجه روش‌شناسی آن را دچار تحول بنیادین می‌کند. بنابراین، تحلیل روش‌شناسی جامع در آینده‌پژوهی اسلامی نیز نیازمند بنیان نهادن چارچوب شناختی - هنجاری برپایه مفاهیم اسلامی است. این چارچوب مجموعه‌ای از قضایا و گزاره‌های کلی حاکی از هست‌ها و نیست‌ها، باید‌ها و نبایدها، الگوها، فرآیندها و روش‌ها و ابزار تحقیق است که می‌تواند مبنایی برای نظریه‌پردازی، روش، روش‌شناسی و شیوه‌های عمل باشد (تقوی، ۱۳۹۱، ص ۷۹). سوره این چارچوب را دارای چهار عنصر می‌داند که پیوند و ترکیب آنها پارادایم منسجمی را پدید می‌آورد:



نمودار ۱: ارکان چارچوب شناختی - هنجاری سوره (۲۰۰۰، ص ۴۹۷)

تطبیق این مدل در آینده‌پژوهی چنین می‌شود که اصول عام برگرفته از نوع نگاه به انسان، جهان، معرفت و... است. مثال این اصول، مانند فلسفه اولی در دوره کلاسیک است که ناظر بر جمیع علوم بود؛ به‌طوری‌که موضوعات علوم را پیش از ورود به آن ثابت می‌کرد یا همانند مبادی تصدیقی عام (اصول متعارفه) که گزاره‌های علوم مبتنی بر آن شکل می‌گیرد و منحصر به علم خاصی نیز نیست، مانند گزاره امتناع اجتماع نقیضین.

اصول خاص نیز گزاره‌ها و قضایای ناظر بر دانش خاص هستند؛ در اینجا اصول خاص، مفروضات و پیش‌فرض‌های ناظر بر دانش آینده‌پژوهی هستند. به‌طورمثال، اصول نه‌گانه وندل بل، نمونه‌ای از اصول خاص آینده‌پژوهی هستند.

مرحله سوم فرآیندهای پژوهشی، پژوهش آینده‌پژوهی را بیان می‌کند. به‌طورمثال، برای ارائه تصویری از آینده موضوع «الف»، انواع سناریوها مبتنی بر ترکیبی از روش‌های مختلف (روندپژوهی، دلفی، سناریونوسی و...) و در یک فرآیند پژوهشی مشخص و منسجم ارائه می‌شود. مرحله چهارم روش‌ها و روش‌شناسی آینده‌پژوهی را ارزیابی می‌کند و روش‌ها و ابزارهای لازم، کارکرد و اهمیت نسبی هریک را تعیین می‌کند. دو مرحله آخر به همان میزان که موجب غنای آینده‌پژوهی رایج شده‌اند، آینده‌پژوهی اسلامی به‌دلیل عدم انضمامی شدن، فاقد آن دو بوده و مطالعات اسلامی در حوزه آینده‌پژوهی عمدتاً ناظر بر دو مرحله نخستین است. حال آنکه فرآیند پژوهش و روش نه‌تنها به‌عنوان رکن و قوام دانش شناخته می‌شود، بلکه امروزه اعتبار و مقبولیت علم نیز براساس کارایی و توان حل مسئله سنجیده می‌شود که از رهگذر روش و فرآیند پژوهش می‌گذرد. بنابراین، همان‌طورکه مطالعات اسلامی در دو مرحله اول کمابیش وجود دارد، باید برای تکمیل فرآیند دانشی این بنیان‌ها و اصول متعارف و موضوعه به روش و فرآیند پژوهش نیز ترجمه شوند تا شاهد به‌روزرایی دانش آینده‌پژوهی اسلامی با مقومات شناختی، هنجاری، دانشی و روشی اسلامی باشیم.

۳. روش

این پژوهش براساس روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و سپس با توصیف و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از آن طریق سامان یافته است. دراین‌راستا با مطالعه و بررسی اسناد، مقالات و کتب مرتبط با پژوهش به گردآوری داده‌های لازم در باب روش‌شناسی و روش‌های آینده‌پژوهی اسلامی پرداخته شد. این مهم با بررسی و ارزیابی بالغ بر ۱۰ کتاب و رساله و ۱۲ مقاله تألیف‌شده در حوزه آینده‌پژوهی اسلامی انجام شد. عمده این آثار مقوله روش و روش‌شناسی را موردتأمل خود قرار نداده و برخی صرفاً درصدد معرفی و بیان ماهیت و بنیان‌های حاکم بر آینده‌پژوهی اسلامی و تمایز آن از گونه رایج برآمده‌اند که می‌تواند در استنباط اصول متعارف و موضوعه آینده‌پژوهی اسلامی و پیش‌فرض‌های حاکم بر آن کاربرد داشته باشد؛ اما باوجود تفاوت در رویکردها و دیدگاه‌های آثار یادشده، مهم‌ترین نکته آنها دربرداشتن اصول مشترک روش‌شناختی بود که اصل مشترک روش‌شناختی از این طریق استنباط شد. برخی دیگر نیز رویکردهای نوینی برپایه اندیشه اسلامی برای مطالعات آینده‌پژوهانه معرفی کرده‌اند که قابلیت ترجمه به روش را دارد؛ به‌طوری‌که این آثار برپایه چنین روش‌هایی سامان یافته‌اند. سنت پژوهی، آیه پژوهی، برنامه‌پژوهی، وعده‌پژوهی، تفسیر و تدبر ساختاری و مهدویت‌پژوهی نمونه‌ای از رویکردهای ارائه‌شده هستند که به چگونگی بهره‌برداری روشی در برخی از این رویکردها در مطالعات آینده‌پژوهی اشاره شده است.

۳. یافته‌ها

مصادف با شکل‌گیری آینده‌پژوهی و به‌رسمیت‌شناختن فعالیت‌های نظری و عملی آن به‌مثابه یک رشته دانشگاهی در ایران (۱۳۸۷ به بعد)، نسبت‌سنجی این رشته با آموزه‌های دینی و اسلامی به یکی از دغدغه‌های اصلی برخی پژوهشگران این حوزه تبدیل می‌شود. صاحب‌نظران این عرصه به تأسی از ایده تحول در علوم انسانی، تحول در رشته آینده‌پژوهی و هماهنگ کردن آن با مبانی، تعالیم و ارزش‌های اسلامی را موضوع و محور بسیاری از پژوهش‌های خود قرار داده‌اند که نمود عینی آن در قالب ظهور مؤسسات متعدد علمی، تولید آثار پژوهشی، برگزاری نشست‌ها و جلسات علمی و نقد و مناظره متعدد قابل‌مشاهده است.

۳-۱. ماهیت آینده‌پژوهی اسلامی و تمایز آن از آینده‌پژوهی مرسوم

جریان آینده‌پژوهی اسلامی فلسفه وجودی خود را تا اندازه زیادی ناشی از ارزش‌بنیانی آینده‌پژوهی مرسوم می‌داند که یکی از مفروضات اصلی آن در دیدگاه بزرگان این رشته است. وندل بل^۱ رسالت آینده‌پژوهی را کمک به انتخاب، پی‌ریزی و ساخت مطلوب‌ترین آینده برپایه ارزش‌های جامعه می‌داند (۱۳۹۲، ص ۷۳). وی گزاره «بعضی آینده‌ها بهتر از دیگران هستند» را یکی از مفروضات نه‌گانه آینده‌پژوهی برمی‌شمارد. بنابراین بخشی از وظیفه آینده‌پژوه، مطالعه معیارهایی است که مردم برای قضاوت ارزشی درباره آینده‌های بدیل به کار می‌برند. سهیل عنایت‌الله^۲ نیز هدف آینده‌پژوهی را «مطالعه نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها و اسطوره‌های بنیادین هر آینده» می‌داند (۲۰۰۷، ص ۶). بنابراین، نه تنها اطلاع از نسبت مبانی، گزاره‌ها و روش‌های این میراث غیرومی با مبانی و فرهنگ دینی و ایرانی، محور مطالعه و پژوهش آینده‌پژوهان مسلمان قرار می‌گیرد، بلکه با اتکا بر اندیشه و منابع دینی و بومی اسلامی شاهد تولید چارچوب‌ها، روش‌ها و مسائل نوینی در آینده‌پژوهی هستیم که با هدف تصویرپردازی و آینده‌نگری متناسب با فرهنگ و ارزش‌های دینی و بومی، تصویری نسبتاً منسجم از یک حوزه دانشی را نشان می‌دهد.

نکته دیگر توجه به ماهیت و چیستی آینده‌پژوهی اسلامی است. باوجود اشتراک موضوع، آینده‌پژوهی اسلامی تفاوت بنیادینی با آینده‌پژوهی مرسوم دارد. آینده‌پژوهی رایج به دنبال تصویرپردازی از انواع آینده، انتخاب آینده مرجح و ساخت مطلوب‌ترین آینده است. مطلوبیت آینده در اینجا تابعی از ارزش‌های جامعه و آحاد آن است و عموماً با منافع ظاهری، مادی و سیال پیوند دارد که مبتنی بر روش‌ها و اصول مبتنی بر عقلانیت خودبنیاد تصور شده و حسب مؤلفه‌هایی چون میزان احتمال و امکان تحقق، راهبردهای تحقق آن تدوین می‌شود. براساس این، آینده‌پژوهی اسلامی چنانچه بخواهد به مثابه یک دانش تلقی شود، لاجرم باید دربردارنده عنصر نظام‌مندی و روشمندی باشد. همچنین عنصر مطلوبیت، تصویرپردازی و ارائه بهترین آینده را نیز مدنظر دارد؛ ولی با این تفاوت که همان‌طور که در روش‌شناسی خواهد آمد، این مهم را صرفاً براساس روش‌های برآمده از عقلانیت خودبنیاد و اصالت فایده^۳ پی نمی‌گیرد و منابع معرفتی و روش‌های دیگری نیز در این مسیر معرفی می‌کند که در موضوع آینده‌نگری، خود از آن بهره می‌گیرد. در آینده‌پژوهی اسلامی مطلوبیت آینده تابعی از آینده‌سازی الهی و هماهنگی با برنامه (های) خداوند است (احمدیان و ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸، ص ۲۰۸) که البته به دلیل سریان چنین آموزه‌هایی در جامعه اسلامی با ارزش‌های جمعی آحاد جامعه نیز هماهنگی پیدا خواهد کرد. در مواردی نیز ممکن است ارزش‌ها و منافع حیات مادی با ارزش‌ها و برنامه الهی ناهماهنگی پیدا کند که در اینجا رسالت آینده‌پژوه ارائه راهبرد برای هماهنگ کردن جامعه با آن ارزش‌هاست. بنابراین، هماهنگی با برنامه الهی و آینده‌سازی الهی محور و اصل حاکم بر غایت‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی است؛ نه صرف ساخت آینده مطلوب بما هو مطلوب.

این نکته به این معناست که هدف آینده‌پژوهی اسلامی همان آینده‌سازی مبتنی بر ارزش‌های الهی است که مبتنی بر دو سطح است؛ از یک سو باید بخشی از مطالعات آینده‌پژوهی ناظر به استنباط برنامه‌ها (مانند برنامه خداوند برای آینده جامعه ایمانی، حزب‌الله، انصارالله و...)، وعده‌های الهی (آینده محتوم مانند نصرت قطعی مؤمنین، غلبه دین اسلام و...)، قوانین تاریخی و اجتماعی (سنن الهی) که خداوند در نهاد تاریخ و اجتماع انسان قرار داده است (صدر، بی‌تا، ص ۶۳)، مهدویت‌پژوهی (الگونگاری از جامعه مهدوی به منظور ساخت جامعه مطلوب مهدوی) و... باشد (براساس منابع روایی و وحیانی، سنت‌ها، وعده‌ها، قوانین تاریخی، مهدویت و...)؛ از سوی دیگر با بررسی وضع موجود (روش‌های آینده‌پژوهی رایج نه تنها نفی نمی‌شود، بلکه در این قسمت کاربرد مستقیم دارند)، به تصویرسازی از آینده‌های ممکن محتمل پرداخته شده و سرانجام در راستای تحقق مطلوب‌ترین وضعیت ممکن اقدام شود که مطابق با خواست الهی و ارزش‌های توحیدی باشد. بنابراین، روش‌شناسی حاکم بر چنین مطالعاتی قلمرو گسترده‌تری از حوزه معرفت و روش را در مقایسه با مطالعات مرسوم دربر خواهد گرفت؛ زیرا بخشی از این مطالعات ناظر به منابع روایی و وحیانی خواهد بود. در سطح دوم (آینده ناظر بر وضعیت میدانی کنونی) نیز با اینکه روش‌های مرسوم نفی نمی‌شود، اما امکان کاربست روش‌های دیگر (برآمده از مبانی خاص اندیشه دینی و فرهنگی بومی) نیز وجود دارد.

1. Wendell Bell

2. Sohail Inayatullah

3. Utilitarianism

جدول ۱: مقایسه ارکان علم‌شناختی آینده‌پژوهی اسلامی با آینده‌پژوهی مرسوم

موضوع	آینده‌پژوهی رایج	آینده‌پژوهی اسلامی
غایت	مطالعه آینده‌های مطلوب، محتمل و ممکن	آینده مطلوب مبتنی بر ارزش‌های توحیدی و الهی
منابع معرفت	ساخت مطلق آینده مطلوب مبتنی بر برنامه‌ریزی، کنترل و نزدیکی به آینده	برنامه‌ریزی و اقدام در راستای هماهنگی با ارزش‌های توحیدی و مبتنی بر آن (آینده‌سازی الهی)
	رویدادها، روندها، تصاویر و انتظارات، باورها و ارزش‌ها (چاپ‌ک و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴)	داده‌های وحیانی + منابع معرفتی آینده‌پژوهی رایج

۲-۳. ویژگی‌های روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی

به‌طورکلی، روش‌شناسی علوم اسلامی عهده‌دار کشف، توصیف و ارزیابی معرفت‌شناختی روش‌های تولید نظریه‌های علوم اسلامی، میزان توانمندی در تحقق اهداف علم و میزان اعتبار آن روش‌هاست (فتحعلی‌خانی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۳). اصل مشترک روش‌شناسی حاکم بر دانش آینده‌پژوهی اسلامی اعتبار توأمان روش‌های وحیانی، عقلانی و تجربی است. گستردگی دامنه چنین روش‌شناسی ناشی از سه امر است:

۱. تأکید و انحصار بر روش تجربی و نفی روش‌های دیگر، معلول اصول فلسفی و معرفت‌شناختی خاص دوره مدرن است؛ درحالی‌که مسئله اصلی در روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی اعتبار یا عدم اعتبار روش‌های معهود نیست؛ بلکه گسترش دامنه روش با اعتبار دادن به روش‌هایی است که اصول فلسفی دوره مدرن، حکم به عدم اعتبار آنها در پژوهش‌های علمی کرده است.

۲. روش، تابع و مولود نوع «مسئله» و «موضوع» است. ماهیت برخی موضوعات به‌گونه‌ای است که مبتنی بر یک روش مشخص تحلیل و بررسی می‌شوند. در دانشی مثل آینده‌پژوهی که موضوع و مسائل دانش دارای ابعاد مختلف بوده، همچنین با ارزش‌ها و هنجارها دارای پیوند وثیق است، موضوعات و مسائل آن اعم از محسوس و نامحسوس (آینده معماری یا آینده دین‌داری) است، امکان حصر روش وجود نداشته و این ماهیت موضوع است که حدود و ثغور روش را تعیین می‌کند (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۶۸). سرانجام، ویژگی‌های علوم انسانی و اجتماعی از حیث کیفی بودن، سیال بودن، ارزشی و هنجاری بودن، فرهنگی و هویتی بودن، مؤلفه دیگری در تکرار روشی این علوم است؛ به‌طوری‌که کاربست این علوم در جوامع متعدد از الگوی روشی واحدی تبعیت نمی‌کند و هر جامعه‌ای باید متناسب با ویژگی‌ها، ارزش‌ها، اهداف و مطلوبات خود روش‌های کاربست هر علم را تولید کند؛ ازاین‌رو، با توجه به غنای تاریخ، هویت تمدنی و سنت دینی و فرهنگی جامعه ما، دغدغه بومی‌سازی دانشی مانند آینده‌پژوهی نیز موجه به نظر می‌رسد و روش‌های مرتبط با تفسیر متون دینی و روش‌های عقلانی (توصیف، تبیین، استدلال و تفسیر) در این مسیر مفید فایده بسیار هستند.

جدول ۲: ویژگی‌های روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی

ویژگی‌های روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی	- ابتناء بر نظام معرفت‌شناسی و علم‌شناسی مسلمین
	- اعتبار توأمان روش‌های وحیانی، عقلانی و تجربی و عدم انحصار در تجربه
	- سنخیت روش با موضوعات متناسب با خود
	- تناسب با نیازها، اهداف و هنجارهای زیست دینی

۳-۲-۱. روش‌شناسی متن‌محور

فهم عمیق و تبیین گزاره‌های دینی از راه ترجمه یا معنای تحت‌اللفظی آنها به دست نمی‌آید. «تفسیر» و «تدبر» متکفل ارائه فهم عمیق از گزاره‌های دینی است که می‌تواند مبتنی بر مؤلفه‌هایی و با رعایت چارچوب و قواعد خاصی مقصود متن دینی را در باب موضوعات و مسائل متعدد روشن کند. درحقیقت این دو روش متضمن کشف روابط میان پدیده‌ها و مفاهیم مصرح در گزاره‌های دینی بوده و جهات نا آشکار و قوانین نامصرح در متن دینی را آشکار می‌کند. روش‌شناسی دریافت از متن عبارت است از تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات از متون اسلامی و شیوه تحلیل و طبقه‌بندی آنها، که مربوط به یک موضوع یا مسئله از موضوعات و مسائل علوم انسانی است. هدف، کشف نظر و

دیدگاه متون اسلامی درباره آن موضوع یا مسئله است (فتحعلی‌خانی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۸).

در حوزه تفسیر، این روش‌شناسی با روش‌ها و قواعد تفسیر و فهم متون دینی سروکار دارد. بنابراین، دامنه وسیعی از علوم لغوی، زبان و ادبیات عرب، بلاغت و معانی بیان، اصول، تفسیر، حدیث (فقه الحدیث و مشکل الحدیث) و... را دربرمی‌گیرد تا برنامه الهی و دیدگاه متن دینی را درباب آینده موضوعات، مسائل و پدیده‌ها استنباط کند. در حوزه تدبر نیز مخاطب با دقت در مفاهیم آیات، بررسی ارتباط بین آیات (کشف سیاق) و استنباط پیام سیاق‌ها به ارائه رویکرد متن دینی در ارتباط با موضوعات متعدد می‌پردازد و درک صحیح و عمیق‌تری از آیات قرآن به دست می‌دهد. این روش با توجه به فرآیندی که دارد متفاوت از تفکر، تفسیر و تفقه در آیات است (صباحی، ۱۳۹۸).

استنباط و استخراج مؤلفه‌ها، شناخت ویژگی‌های حاکم بر آنها و کشف ارتباط بین آنها گام‌های اساسی در این روش‌شناسی هستند (پسندیده، ۱۳۸۶، ص ۳۸، ۳۹ و ۴۳). نخستین گام در چنین فهمی تعیین مؤلفه‌های موجود در متن دینی است. به‌طورنمونه، در آیه «بَلِّغْ نَقْدَفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيُدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ»، ما با مؤلفه‌ها و متغیرهایی مانند «حق»، «باطل»، «مواجهه بین حق و باطل»، «نابودی باطل» و... مواجه هستیم. گام دوم شناخت ویژگی‌های حاکم بر مؤلفه‌هاست. مثلاً باید دانست مراد از حق و باطل در نزد اهل لغت، این آیه و کل منظومه قرآنی چیست و این سه معنا (در صورت تعدد معنا) چه نسبتی با هم دارند. گام نهایی تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها و کشف ارتباط بین آنهاست تا وجه جامع حاکم بر آنها روشن شود. تعیین دامنه مؤلفه‌های مورد استنباط، موضوع مهم دیگری است که در تفسیر متن دینی به‌ویژه قرآن کریم وجود دارد؛ به‌طوری‌که برخی این دامنه را آیه یا بخشی از آن^۱ (شوکانی، ۱۴۱۳، ص ۱۰۶/۱) و برخی سیاق آیات و ساختار سوره (وحدت غرض آیات سوره) معرفی می‌کنند (خامه‌گر، ۱۳۸۱، ص ۲۰۹).

۳-۲-۲. روش‌شناسی غیرمتن‌محور

روش‌شناسی غیرمتن‌محور به دنبال شناسایی ماهیت، علل و عوامل وقایع، پدیده‌ها، رویدادها، کنش‌های انسانی و کشف روابط و همبستگی بین آن متکی بر عقل است (منطقی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۹۶۰). در فضای معرفت‌شناسی عقل هم به‌صورت منبع معرفت (عقل مصدري و ماده استدلال) و هم به‌صورت ابزار معرفت (صورت استدلال) کاربرد دارد (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۳۷۱) که خود در قالب انواع مختلفی از روش‌های توصیفی، تبیینی، استدلالی و تفسیری ظاهر می‌شود.

الف) روش‌شناسی توصیف: مراد از توصیف تحلیل کیفیت کنش، پدیده و واقعه است که از چگونگی، وضعیت بالفعل آن، ارتباط میان بخش‌های مختلف آن، روابط آن با دیگر پدیده‌ها و کنش‌ها و پیامدهای آن خبر می‌دهد. به‌دیگرسخن، توصیف به بررسی پدیده و کنش در مقام عمل و تحقق می‌پردازد نه در مقام تعریف و معنای شرح‌الاسمی؛ یعنی توصیف به بیان چگونگی می‌پردازد؛ درحالی‌که تعریف یک پدیده به چستی آن می‌پردازد (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۵). براساس این، بی‌طرفی و بی‌نظری، دقت، واقع‌نگری و جامعیت و مانعیت از شرایط توصیف است (ابوالحسنی نیارکی، ۱۳۹۳، ص ۶۶). براساس نوع ابزار، گونه توصیف نیز متفاوت می‌شود؛ توصیف تجربی با بهره‌گیری از ابزارهای تجربی، توصیف تاریخی مبتنی بر نقل و سند تاریخی، توصیف تحلیلی مبتنی بر تحلیل‌های انتزاعی و عقلانی. همچنین، کاربرست روش‌های کمی و کیفی در توصیف هرکدام بعد خاصی از آن را نمایان می‌کند؛ به‌طوری‌که روش‌های کمی برون‌کاوانه و ناظر به ابعاد محسوس و ظاهری و روش‌های کیفی درون‌کاوانه و ناظر به ابعاد ماهوی پدیده هستند (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۹).

ب) روش‌شناسی تبیین: همان‌طورکه گذشت توصیف به بیان واقعیت‌ها می‌پردازد همان‌طورکه هستند و صرفاً جنبه گزارشگری از چگونگی رویداد و پدیده دارد؛ درحالی‌که تبیین علل و عوامل پدیده‌ها، کنش‌ها و وقایع را ارزیابی می‌کند. علت‌شناسی و بیان چرایی وقایع، کنش‌ها و پدیده‌ها، اصلی‌ترین دریافتی است که برای معنای تبیین ذکر شده است (ابوالحسنی نیارکی، ۱۳۹۳، ص ۶۶). چنین رویکردی به تبیین (نگاه علی به پدیده و کنش) به معنای بررسی پدیده تحت قانون کلی حاکم بر آن است؛ یعنی ابتدا قانون کلی حاکم بر پدیده وجود دارد که تبیین مبتنی بر آن صورت گیرد.

۱. نزول تدریجی قرآن اصلی‌ترین اشکال بر دیدگاه ساختاری و وحدت غرض سوره‌های قرآن است. بنابراین، مبنای چنین آیات قرآن اجتهادی بوده و توقیفی نیست.

در حوزه علوم انسانی باید دقت کرد که ویژگی‌های دانشی مانند آینده‌پژوهی کاربست روش تبیین را با ملاحظات همراه می‌کند؛ زیرا ارزشی و هنجاری بودن و تأثیرپذیری آن از جهان‌بینی، نظام معنایی و هنجاری متفاوتی را در جوامع متعدد ایجاد می‌کند. از این رو، سخن از قانون کلی حاکم بر همه امور انسانی دشوار است؛ زیرا به یقین، پدیده‌های انسانی و اجتماعی تک عامل نبوده و متأثر از عوامل متعددی پدیدار می‌شوند (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۴).

به همین دلیل برخی با عدول از معنای علی تبیین، معانی روش‌شناسانه دیگری را مانند «تبیین فرآیند»، «بررسی عمیق ریشه‌های امور و پدیده‌ها در طول زمان و مکان‌های مختلف»، «جستجوی علت مؤثر»، «بیان رابطه اصلی براساس عامل پیشینی» و... ذکر کرده‌اند (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۳۷-۵۰) و تبیین علی را در اینجا به معنای اطلاع از شرایط لازم و کافی تحقق آن پدیده یا کنش تلقی می‌کنند. منظور از شرایط لازم یعنی علت ناقصه و منظور از شرایط کافی تحقق علت تامه؛ اما کشف علت حقیقی تکوینی، کاری واقعاً دشوار است (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۶).

ج) روش‌شناسی تفسیری (روش تفهیمی): روش‌شناسی تفسیر واقعیت درصدد بررسی تأثیر انگیزه‌ها و عوامل درونی انسانی بر رخداد وقایع و پدیده‌ها و واقعیت‌های مربوط به آینده است؛ زیرا انگیزه‌ها، امیال و نیازهای انسانی مبنای رفتارهای انسان هستند که نقش تعیین‌کننده در ظهور رفتارهای انسان در آینده دارد. در اینجا نیز ابتناء بر مبانی فلسفی اسلامی این روش‌شناسی، وجه تمایز آن از دیگر آینده‌پژوهی‌ها خواهد بود (منطقی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۹۶۲).

این روش برخلاف روش توصیفی با ذهنیت و انگیزه‌های عامل سروکار دارد نه با خود فعل، پدیده و کنش؛ چنانچه فعل یا پدیده‌ای هم مطلق نظر روش تفسیری باشد، از حیث نمادین بودن آن و برای راهیابی به معانی و مقاصد به وجودآورنده آن است؛ بنابراین شناخت بینش‌ها، انگیزه‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و همچنین شرایط تاریخی، اجتماعی و اقلیمی کنشگران اهمیت اساسی در فهم انگیزه‌ها و مقاصد دارند (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۳۹۷).

۳-۲-۳. نسبت روش‌شناسی متن محور با غیر متن محور

روش‌شناسی عقلانی با کارکردهای روشی (ابزار معرفت و دانش) که ذکر شد، در نزد همه اذهان مشترک بوده و اختصاص به گروه خاصی ندارد؛ اما با این تفاوت که روش‌شناسی عقلانی در آینده‌پژوهی اسلامی اولاً، منحصر به تحلیل و ارزیابی و صورت‌بندی استدلالی داده‌های حاصل از منبع معرفتی عقل و حس نبوده و قلمرو موضوعات، مسائل و علل و عوامل مرتبط با آینده پدیده‌ها به حوزه ماوراء طبیعت نیز تعلق می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، ماده استدلال صرفاً برآمده از تفکر و تجربه انسانی نیست، بلکه آموزه‌های وحیانی نیز بخش اعظمی از آن را تشکیل می‌دهد؛ ثانیاً، هماهنگی یا عدم هماهنگی با آموزه‌های وحیانی یکی از مهم‌ترین ضوابط ارزیابی و پذیرش یا عدم‌پذیرش نتایج حاصل از روش‌های عقلانی به شمار می‌رود.

مفهوم عقل دینی در مقابل عقل مادی بهتر می‌تواند تفاوت وجوه روش‌شناسانه در آینده‌پژوهی اسلامی و مرسوم را در حوزه عقل بازنمایی کند. روش‌شناسی عقلانی در آینده‌پژوهی اسلامی قائل به اعتبار و کارآمدی همه روش‌های مرسوم عقلانی است که در بین دانشمندان این دانش رواج دارد؛ اما همان‌طور که گذشت، هماهنگی آن با آموزه‌های دینی مهم‌ترین چالش در این حوزه است؛ به طوری که روش‌های عقلانی ممکن است مبتنی بر داده‌ها و اطلاعات، نتایجی را ارائه دهند که آن نتایج در چارچوب تفکر دینی پذیرفتنی نباشند.

نسبت‌سنجی آموزه‌های عقلانی با مفاهیم دینی باید از چارچوب ضابطه‌مندی برخوردار باشد. «مقاصد شریعت» و استنباط «قواعد و اصول اساسی دین» مبتنی بر نظام ارزش‌یابی، مهم‌ترین پایه‌های این چارچوب نسبت‌سنجی هستند. مقاصد شریعت، اهداف و انگیزه‌هایی است که شارع در راستای حفظ مصالح و دفع مفاسد در حیات فردی، اجتماعی، مادی و معنوی افراد پایه‌گذاری کرده است. حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال بندگان مهم‌ترین این موارد هستند (نقیبی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳). به طور مثال، مسئله جمعیت و نوع مواجهه با آن، نتایج برآمده از روش‌شناسی عقلانی در این مسئله را جهت‌دهی می‌کند و با وجود تجویز روش‌های عقلانی مبنی بر لزوم کاهش و کنترل جمعیت، حفظ نسل و لزوم تزايد آن به عنوان غرض و غایت شرع تلقی شده و اعمال هرگونه سیاست کاهش، با آن منافات دارد.

ارزش‌یابی بیان دیگری از دیدگاه اسلام در مورد مسئله و موضوع خاص است که گاه به صورت گزاره و گاه به صورت اصل و قاعده مسلم و مشهور در اندیشه اسلامی جای دارد. اهمیت ارزش‌یابی همانند مقاصد شریعت در جهت‌دهی و کنترل کنش انسانی است (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۵۴۷-۵۸۴). برای کشف چنین ارزش‌هایی پنج گام علمی زیر را معرفی می‌کند:

۱. تعیین مسئله یا موضوع مورد بحث؛
 ۲. جستجو در منابع دینی و جمع‌آوری پاسخ‌های احتمالی مسئله؛
 ۳. حیطه‌شناسی مسئله مورد بحث از حیث فردی یا اجتماعی بودن، سیاسی یا اقتصادی بودن، مادی یا معنوی بودن، هنجاری یا قانونی بودن و...؛
 ۴. کشف قواعد حاکم بر جمیع حوزه‌های زیست انسانی مانند قاعده لاضرار، نفی سبیل، منع اختلال نظام، حسن عدل و قبح ظلم، احترام حریم خصوصی، منع تجسس...؛
 ۵. فهم مقاصد و غایات زیست دینی؛ در اینجا صرف مقاصد شریعت مراد بوده و منظور این است که بدانیم با حاکم کردن آموزه‌های دینی چه آینده‌ای برای ما رقم خواهد خورد. این گزاره‌ها صرفاً ارزش‌های رفتاری نبوده، بلکه ارزش‌های وجودی هستند که معیار تشخیص و تعیین ارزش‌های رفتاری می‌باشند؛
 ۶. انطباق مسئله مورد مطالعه با مبانی دینی به دست آمده مبتنی بر چارچوب ارزش‌یابی.
- بنابراین، روش‌های عقلانی در آینده‌پژوهی اسلامی نه تنها مورد نفی قرار نمی‌گیرد، بلکه انواع متعدد روش‌های تفسیری، توصیفی، استدلالی، عقلایی، نخبگانی، آماری و مشاهده‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد؛ ولی عقلانیت را در چارچوب قلمرو دین و با اعتنا به حضور آن تفسیر و روش‌های آن را معتبر می‌کند؛ به طوری که نه تنها عقل یکی از منابع چهارگانه تلقی می‌شود، از حیث روش‌شناسی نیز روش‌های عقلانی مانند سیره عقلا، رجوع به آراء اهل خبره را در فرایند استنباط معتبر می‌داند. ضمن اینکه همان‌طور که اشاره خواهد شد، نفس روش‌های موجود در آینده‌پژوهی را نیز کارآمد می‌داند.

۳-۳. روش‌های آینده‌پژوهی اسلامی

همان‌طور که در قسمت روش‌شناسی اشاره شد، ماهیت روش‌های به کار رفته در آینده‌پژوهی اسلامی ترکیبی از روش‌های تجربی، عقلی - تحلیلی، شهودی و انضمامی و نقلی است. طرح مسئله روش در آینده‌پژوهی اسلامی نه تنها دلالت بر نفی روش‌های معهود در آینده‌پژوهی ندارد، بلکه این روش‌ها در روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی جایگاه داشته و عمدتاً ذیل روش‌شناسی تحلیلی - عقلی گنجانده می‌شوند. با وجود این، به دلیل اختلاف در مبانی و بنیادهایی که ذکر شد، آینده‌پژوهی اسلامی خود را نیازمند تأسیس و طرح روش‌های جدیدی می‌بیند تا بتواند مبتنی بر آنها اهداف خود را محقق کند. افزون بر اینکه امکان بهره‌گیری از برخی روش‌های پرکاربرد آینده‌پژوهی رایج وجود دارد، چارچوب فکری آینده‌پژوهی اسلامی برخی روش‌های نوین را نیز معرفی می‌کند.

۳-۳-۱. امکان‌سنجی کاربرست روش‌های آینده‌پژوهی رایج

دیدهبانی، چشم‌اندازسازی، رهنمائی، روندپژوهی، اولویت‌گذاری پابرجا و سناریوپردازی از جمله روش‌هایی هستند که می‌توان آنها را برپایه مفاهیم کلیدی آینده‌پژوهی اسلامی «نظام ربوبیت الهی، برنامه الهی، آینده پسندیده الهی، هماهنگی با برنامه الهی، برنامه‌شناسی، یقین موضوعی» به کار برد. چگونگی ارتقا روش‌های یادشده و مؤلفه‌های آن در آینده‌پژوهی اسلامی مطابق جدول ۳ است:

جدول ۳: ارتقا روش‌های آینده‌پژوهی رایج به روش‌های موجه در آینده‌پژوهی اسلامی (احمدیان و ذولفقارزاده، ۱۳۹۸، ص ۳۰۰)

روش رایج	ارتقا روش	مؤلفه ارتقاء
دیدهبانی	دیدهبانی برپایه برنامه خدا	توجه به بصیرت قدسی تحلیل محیط بر پایه نظام ربوبیت الهی

چشم‌اندازسازی	چشم‌اندازسازی بر پایه برنامه خدا	آینده مطلوب، همان آینده پسندیده الهی است آینده ممکن، در چارچوب نظام ربوبیت سنجیده می‌شود
ره‌نگاری	ره‌نگاری بر پایه برنامه خدا	هماهنگی برنامه‌های جزئی با برنامه خدا
روندپژوهی	روندپژوهی بر پایه ربوبیت الهی	استنباط تغییرها در چارچوب برنامه خدا و نظام ربوبیت او
اولویت‌گذاری پابرجا	اولویت‌گذاری بر پایه ربوبیت الهی	رفتارشناسی و برنامه‌شناسی در نظام ربوبیت خدا
سناریوپردازی	بدیل‌پردازی بر پایه ربوبیت الهی	مشروط‌بودن تحقق بعضی از امور به رفتار بندگان دشواری دستیابی به یقین در همه جزئیات برنامه خدا و نظام ربوبیت او

۳-۲. روش‌های مطرح آینده‌پژوهی اسلامی

مبتنی بر اعتبار منابع معرفتی متعدد در نظام معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی، روش‌های نوینی در این حوزه ارائه شده است که در زمینه شناخت برنامه الهی، هماهنگی با آن و تصویرپردازی از آینده پسندیده الهی می‌تواند کارآمد باشد؛ البته یک روش تا زمانی که تجربه اجرایی و توان حل مسئله نداشته باشد، همچنان در حد ایده نظری باقی می‌ماند؛ ازاین‌رو، این ایده‌ها با کاربست و پیشرفت در مقام تجربه به ابداع روشی منجر خواهند شد. تاکنون پنج روش اختصاصی سنت‌پژوهی، آیه‌پژوهی، برنامه‌پژوهی، وعده‌پژوهی و مهدویت‌پژوهی مطرح شده است که از این میان به بیان سه روش نخست پرداخته می‌شود.

الف) سنت‌پژوهی: مراد از سنت، روش‌ها و قوانین ثابت و مستمری است که خداوند آنها را بر نظام هستی و ازجمله انسان و نظام اجتماعی او حاکم کرده و ازطریق آنها امور عالم و آدم را تدبیر و اداره می‌کند. این قوانین مجرای تحقق اراده الهی در عالم می‌باشند. شهید صدر کارکرد سنن الهی را چنین معرفی می‌کند که خداوند قدرت خود را از خلال همین سنت‌ها اعمال می‌کند و به‌مثابه اراده خداوند هستند که حکمت و تدبیر الهی در هستی را نمایان می‌کنند (صدر، ۱۴۳۴، ص ۵۷). بنابراین، «سنت‌پژوهی» پژوهش در سنت‌های الهی و کشف آنها، تبیین شرایط و چگونگی تحقق آنها، تبویب آنها و تبیین چگونگی نحوه مرآوده سنن با یکدیگر در جهت تحلیل و تبیین وقایع آینده است (افضلی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۶۸). ازاین‌رو، اگر سنت‌های الهی به‌مثابه قوانینی باشند که خداوند بر عالم خلقت حاکم کرده و تدبیر و قدرت خود را از مجرای آنها در عالم جاری می‌کند، استخراج، شناخت و تبیین این قوانین می‌تواند در تحلیل، تبیین و ساخت آینده پسندیده الهی به ما کمک کند. شناخت این سنن و حرکت مبتنی بر آن غایت آینده‌پژوهی اسلامی (هماهنگ با برنامه خداوند) را به ارمغان می‌آورد. آینده‌پژوهی برپایه این روش نیازمند پیمودن گام‌های زیر است:

۱. گام اول: جمع‌آوری و احصاء کامل سنن الهی: در این گام، باید دو نکته را مدنظر قرار داد: الف) منبع کشف سنن الهی (وحی و استنباط گزاره‌های وحیانی) و ب) روش احصاء آنها (استقراء تام و ناقص). وحی منبع عمده در کشف و استنباط سنن الهی است. در بخش وحیانی، اولاً، قرآن کریم به‌عنوان جامع جمیع سنت‌های الهی لحاظ می‌شود و ثانیاً، تفقه در روایات ائمه اطهار(ع) به‌عنوان مآخذ فهم سنن موردتوجه قرار می‌گیرد. روش احصاء نیز مبتنی بر روش جستجوی کلیدواژه‌ای و مطالعه کل منبع (استقراء تام) جهت حصول اطمینان است.

۲. گام دوم: تبیین نظام حاکم بر سنن و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر: باید سنن را ناظر بر موضوعات مرتبط با خود تبویب و دسته‌بندی کرد تا نظام ارتباطی بین آنها را به‌دست آورد. اهمیت این بخش از این باب است که ممکن است برخی از سنن بر برخی دیگر حاکم باشد و سنت محکوم در پرتو آن فهم شود.

۳. گام سوم: تطبیق نظام سنن بر مصادیق خارجی گذشته: این مرحله درجهت راستی‌آزمایی نظام سنن به‌دست آمده است تا بتوان هرچه بهتر نظام استنباط‌شده را محک زد. نتیجه این کار فهم دقیق سنن الهی و روابط بین آنها خواهد بود تا بر مبنای آن هم بتوان وضعیت حال را تحلیل کرد و هم تبیین از وقایع آینده به دست داد. سرانجام بعد از تبیین کامل سنن و تبیین صحیح روابط بین آنها، می‌توان از نظام سنن در تبیین حوادث آینده بهره جست (افضلی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۷۱، ۲۷۳ و ۲۷۶).

ب) آیه‌پژوهی: آیه‌پژوهی پژوهشی آینده‌نگر است که بندگان را به رفتار پسندیده در قبال آیات الهی می‌کشانند. این سبک از آینده‌نگری، آینده‌نگری برپایه آیات الهی است؛ آیاتی که نشانه‌ای از چگونگی آینده‌سازی الهی دارند (احمدیان و ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸، ص ۶۹). در بیان قرآنی، آیه پدیده‌ای الهی و خداساخته، خاص و بسیار ارزش‌آفرین در فضای آسمان‌ها و زمین است که به مقوله‌هایی فراتر از زندگی دنیا یا

رویدادها و مقوله‌هایی مربوط به آینده دلالت می‌کند و قابلیت مطالعه علمی از آینده در برنامه الهی از طریق شناخت آیات دارد (احمدیان و ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸، ص ۷۸). آیات الهی در ظرف زمانی (امت‌های پیشین، امت رسول‌الله و آینده) و مکانی (آسمان‌ها و زمین) گسترده توزیع شده‌اند. بنابراین، نقش مهمی در برنامه خداوند ایفا می‌کنند.

آیت خود پدیده‌ای است که به پدیده یا موضوعی دیگر اشاره می‌کند و صرف تابلوی علامت نیست. تأمل در مصادیق قرآنی آیات الهی مشخص می‌کند که می‌توان «آیات خداوندی» را به مقولاتی بازآینده اطلاق کرد که حکایت بر ماجرای در آینده دارند. هر آیه می‌تواند بارها و بارها در شرایط مناسب اعمال شود و مصادیق گذشته «آیات» به مثابه ماکتی از مصادیق آینده آن است. فضایی منسجم و ساختارمند که به صورت تکامل یافته‌تر و در پهنه وسیع‌تری واقع خواهند شد (احمدی‌آشتیانی و احمدیان، ۱۴۰۱، ص ۱۱۱). برای نمونه، ماجرای اقوام گذشته و عذاب‌های آنها از مدل اجتماعی و الگوی رفتاری برخوردارند و دارای اجزایی می‌باشند که در تعامل با هم شناخته می‌شوند؛ از این رو با مطالعه این ماکت و الگوها می‌توان حقیقتی کلان‌تر را فهمید که در آینده نیز جریان خواهد داشت (احمدیان و ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸، ص ۶۸ و ۶۹).

یک الگوی قابل مقایسه با آیت‌پژوهی، روندپژوهی است. در روندپژوهی الگویی از رخدادهای گذشته و حال، مبتنی بر این فرض که آینده امتدادی از روند گذشته و حال است، به آینده بسط داده می‌شود. سپس فرض‌هایی برای عدم تداوم روند و تغییر آن بررسی می‌شود. در نهایت از برهم‌نهی چند روند تصویر یا تصاویر بدیلی از فضای آینده به دست می‌آید و راهکارهای متناسب ارائه می‌شود (همان، ص ۷۰). روش آیه‌پژوهی مبتنی بر سه گام است:

۱. دریافت و فهم مصداق آیات الله مبتنی بر سه منبع متون دینی، محیط (آسمان‌ها و زمین) و خبرگان آیه‌شناس (با ویژگی اهل ایمان، یقین، تقوا، عقل و تفکر)؛

۲. پذیرش مفهومی آیات الله؛

أ. کسب علم و ایمان به آیات الله؛ درک ابعاد پدیده‌ای که به مثابه آیه معرفی شده و فهم مقصود از این آیه که پدیده‌ای فراتر است و ایمان به آن؛

ب. تلاوت تصویرپردازانه آیات الله.

۳. طرح‌ریزی رفتار برپایه آیات الله برای شناسایی رفتارهای پسندیده و ناپسندیده در قبال آیات الهی و گرفتن تصمیم‌های هماهنگ با فضایی از آینده که آیه به آن اشاره می‌کند (احمدیان و ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸، ص ۷۹).

ج) برنامه‌پژوهی: بنیان این روش بر هستی‌شناسی مبتنی بر ربوبیت بر پایه حق (عدم‌بیهودگی) و نظام الهی استوار است؛ یعنی تدبیر و نظام‌مندی امور، معادل با وجود برنامه برای اداره کردن و پروراندن هستی و ازجمله انسان است که بخشی از آن ناظر به آینده می‌باشد. برنامه‌هایی مانند حکومت صالحان و وراثت آنان، غلبه جریان حق بر باطل، جعل منجی، غلبه اسلام بر دیگر ادیان، آزمون و فتنه‌ها، بشارت به پاداش و انذار از جزاء (همان، ص ۹۲ و ۹۳). اصل موضوعه دیگر این روش آن است که خداوند برنامه خود را مبنی بر اداره هستی، انسان و آینده او با قرآن تبیین کرده و بخشی از روایات دینی به این امر اختصاص دارد. بنابراین، فهم آینده براساس روش برنامه‌پژوهی، همان فهم برنامه الهی است که خداوند و معصومان (علیهم‌السلام) در موضوعات و مسائل متعدد تبیین کرده‌اند. بحث درباره آینده هر موجود (یا موجودات) نیازمند پاسخ به سه پرسش محوری است:

۱. برنامه خدا برای آن موجود چیست؟

۲. این برنامه با چه نظامی تدبیر می‌شود؟

۳. رفتار پسندیده برای این موجود در این نظام و برنامه چیست؟

در قالبی ساده‌تر این پرسش‌ها عبارت‌اند از:

۱. چه خواهد شد؟ (پرسش برنامه‌شناختی)

۲. چرا این‌گونه خواهد شد؟ (پرسش نظام‌شناختی)

۳. چه باید کرد؟ (پرسش رفتارشناختی) (احمدیان و ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸، ص ۲۷۶)

می‌توان برای یک‌بار، پاسخ‌هایی عام به سه پرسش یادشده داد؛ آنگاه در موضوع‌های خاص، پاسخ‌های خاص را با پژوهش تکمیلی فراهم کرد. مراد از پاسخ‌های عام، برنامه خدا برای امور جهان هستی و نظام حاکم بر آن در سطحی کلان است که عمدتاً ناظر بر آینده‌های قطعی است؛ اما مراد از پاسخ‌های خاص، دانشی است که به جزئیات برنامه خدا درباره موضوعی خاص می‌پردازد که در زمانه کنونی و افق زمانی محدودتری دیده می‌شود؛ مانند آینده امت اسلامی، آینده طاغوتیان، آینده ملت ایران، آینده شیعه و غیره. در پاسخ خاص نقش اراده و اختیار آفریدگان برجسته‌تر است؛ بنابراین برنامه‌پژوهی فراگردی عمومی بین سه پرسش یادشده و پاسخ‌های عام و خاص به آنهاست.

۴. نتیجه‌گیری

تحلیل روش‌ها و روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی نیازمند بنیان نهادن چارچوب شناختی - هنجاری آن بر پایه مفاهیم اسلامی است. مطابق این چارچوب آینده‌پژوهی اسلامی بر پایه اصول عام، اصول خاص، فرایندها و درنهایت، روش‌ها و ابزارهای تحقق مختص خود می‌باشد. اصول عام برگرفته از نوع نگاه به انسان، جهان، معرفت و... هستند. این اصول همان مبادی تصدیقی عام (اصول متعارفه) هستند که قیاسات علوم برپایه آن شکل می‌گیرد و منحصر به علم خاصی نیستند. اصول خاص (اصول موضوعه) گزاره‌ها و قضایای ناظر بر حوزه آینده‌پژوهی اسلامی بوده و مفروضات و پیش‌فرض‌های خاص آن را بیان می‌کند. رکن سوم این چارچوب فرایند به‌کارگیری روش‌ها برای ارائه و استنباط تصویر منسجم از آینده موضوعات را بیان می‌کند. سرانجام، رکن چهارم به معرفی روش‌های حاضر در فرایند می‌پردازد. بنابراین، روش‌ها و روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی، مرتبه‌ای از چارچوب سلسله‌مراتبی است که ترکیب آنها پارادایمی منسجم را پدید می‌آورد؛ ازاین‌رو با توجه به اینکه نفی یا اثبات یک اصل هستی‌شناختی می‌تواند در تکوین، توسعه یا تضییق علوم، مسائل و روش‌های آن مؤثر باشد، مهم‌ترین کارکرد چنین چارچوبی تعیین قلمرو موضوعات، مسائل و روش‌ها در آینده‌پژوهی اسلامی است.

اعتبار توأمان روش‌های وحیانی، عقلانی و تجربی، پیوند با نظام معرفت‌شناسی و علم‌شناسی مسلمین، سنخیت روش با موضوعات متناسب با خود و تناسب با نیازها، اهداف و هنجارهای زیست دینی اصل مشترک روش‌شناسی حاکم بر روش‌های آینده‌پژوهی اسلامی است. این روش‌شناسی به دو قسم «روش‌شناسی دریافت از متن دینی» و «روش‌شناسی عقلانی» تقسیم می‌شود. قسم نخست، مبتنی بر دو رویکرد استنباطی «تفسیر» و «تدبر»، متکفل ارائه فهم عمیق از گزاره‌های دینی در باب موضوعات و مسائل متعدد بوده و متضمن کشف روابط میان پدیده‌ها و مفاهیم مصرح در گزاره‌های دینی برای آشکارسازی جهات ناآشکار و قوانین نامصرح است.

قسم دوم روش‌شناسی مبتنی بر چهار رکن «توصیف، تبیین، تفهیم و استدلال» است. «مقاصد شریعت» و «نظام ارزشیابی دینی» چارچوب تعامل این دو قسم روش‌شناسی است. بنابراین، با تفسیر عقلانیت در چارچوب قلمرو دین، روش‌های عقلانی در آینده‌پژوهی اسلامی نفی نمی‌شود. این نگرش امکان کاربست روش‌های آینده‌پژوهی رایج را فراهم می‌آورد و آنها را معتبر می‌داند و به‌دیگرسخن نوعی ارتقا روشی بر پایه مؤلفه‌های دینی در اینجا صورت می‌گیرد.

منابع

۱. ابوالحسنی نیارکی، حلیمه (۱۳۹۳). «مبانی و روش‌شناسی تبیین با تأکید بر اندیشه سیاسی». کتاب ماه علوم اجتماعی ۷۳، ۶۴-۶۸.
۲. احمدی آشتیانی، فرهاد و مهدی احمدیان (۱۴۰۱). «تصویرپردازی از آینده‌بیداری اسلامی براساس ماجرای طالوت در قرآن». فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی ۱۱(۳): ۱۰۹-۱۳۲.
۳. احمدیان، مهدی و محمدمهدی ذوالفقارزاده (۱۳۹۸). درآمدی بر آینده‌اندیشی قرآنی: باورهای بنیادین، الگوهای رفتاری و رهنمودهای پژوهشی. تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی.
۴. احمدی آشتیانی، فرهاد و ماهد آب‌روشن (۱۴۰۱). «سیر تطور «حزب‌الله» در سیاق آیه ولایت؛ تصویری از آینده پیش روی انقلاب اسلامی». فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی ۱۱(۱): ۱۶۹-۱۸۸.
۵. افضل‌لی، علیرضا، پورعزت، علی اصغر و غلامرضا گودرزی (۱۳۹۶). «سنت پژوهی؛ رویکردی نوین به آینده‌پژوهی مهدویت». فصلنامه مشرق موعود ۴۴، ۲۵۵-۲۸۳.
۶. اوجبی، علی (۱۳۹۵). دانشنامه جهان اسلام (اصول هشت‌گانه در مقدمه‌نویسی بر آثار علمی). قابل دسترسی: <https://rch.ac.ir/article/Details/14450>
۷. باربور، ایان (۱۳۷۹). علم و دین. ترجمه بهالالدین خرمشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۸. بل، وندل (۱۳۹۲). مبانی آینده‌پژوهی، ترجمه م. تقوی - م. محقق. تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۹. پسندیده، عباس (۱۳۸۶). «روش فهم و تبیین گزاره‌های دینی (قرآن و حدیث)». فصلنامه حدیث و اندیشه ۳، ۳۳-۴۷.
۱۰. تقوی، مصطفی (۱۳۹۱). «دو سطح بدیل‌اندیشی برای تکنولوژی». روش‌شناسی علوم انسانی ۱۸(۷۳): ۵۳-۸۴.
۱۱. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۰). مبانی روش‌شناسی تبیین با تأکید بر اندیشه سیاسی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۲. چاپرک، علی، قانعی‌راد، سیدمحمدامین و محمدمهدی ذوالفقارزاده (۱۳۹۸). «معرفی چارچوبی جدید برای معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی: معرفت‌شناسی اجتماعی؛ با تأکید بر نقد و بررسی آراء وندل بل». راهبرد فرهنگ ۱۲(۴۸): ۴۹-۷۰.
۱۳. خامه‌گر، محمد (۱۳۸۱). «درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن». پژوهش‌های قرآنی ۸(۲۹-۳۰)، ۲۰۸-۲۷۱.
۱۴. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۳). تفرج صنع؛ گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علوم انسانی. تهران: صراط.
۱۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۴). فربه‌تر از ایدئولوژی. چاپ هشتم، تهران: صراط.
۱۶. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۵). روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی. تهران: آفتاب توسعه.
۱۷. شوکانی، محمدبن علی (۱۴۱۳). فتح‌القدیر. قاهره: دارالحدیث.
۱۸. صبوچی، علی (۱۳۹۸). آموزش مبانی تدبیر. قابل دسترسی در: <https://alisaboohi.com/?p=2613>
۱۹. صدر، محمدباقر (۱۴۳۴). المدرسه القرآنیه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. صدر، محمدباقر، (بی‌تا). السنن التاریخیه فی القرآن. قابل دسترسی در سایت بازار کتاب قائمیه.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: صدرا.
۲۲. فتحعلی‌خانی، محمد (۱۳۹۶). «روش و روش‌شناسی در علوم انسانی اسلامی؛ چارچوبی برای تحلیل و ارزیابی نظریه‌های علم دینی و علوم انسانی اسلامی». قیسات، ۲۳(۸۹): ۱۵۳-۱۷۹.
۲۳. محمدلو، آقایی و مجید محمدلو (۱۴۰۱). «بنیان‌های هستی‌شناختی و انسان‌شناختی آینده‌پژوهی مرسوم». فصلنامه آینده‌پژوهی راهبردی ۱۱(۱): ۱۴۱-۱۶۰.
۲۴. مصطفوی‌فرد، حامد (۱۳۹۵). «سیر تطور الگوهای تمایز علوم در اندیشه متفکران». پژوهش‌های فلسفی ۱۸، ۱۲۵-۱۵۲.

۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). مجموعه آثار. ج ۱۳، تهران: صدرا.
۲۶. منطقی، محسن، الویری، محسن، رحمانی، جعفر و رضا ابروش (۱۳۹۷). «ارائه مدل مفهومی روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی». مدیریت فرهنگ سازمانی ۱۶(۴): ۹۵۱-۹۷۲.
۲۷. نقیبی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۶). «مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط حکم شرعی». پژوهش‌های فقهی ۱۳(۲): ۲۲۳-۲۴۲.
28. Inayatullah, Sohail (2007). *Questioning the Future*. Tamkang University.
29. Yves, Surel (2000). The role of cognitive and normative frames in policy-making. *Journal of European Public Policy*, 7(4), 495-512.
30. Abolhasani Niyarki, Halima (2014). Fundamentals and Methodology of Explanation with Emphasis on Political Thought. Book of the Month of Social Sciences, 73, 64-68. [In Persian].
<http://noo.rs/INvAp>
31. Afzali, Alireza, Pour-Ezzat, Ali-Asghar and Gholamreza Goodarzi (2017). Traditional Studies; A New Approach to Mahdist Future Studies. *Mashreq-e-Mooud Quarterly*, 44, 255-283. [In Persian].
<http://noo.rs/IByel>
32. Ahmadi Ashtiani, Farhad and Mahd Abroshen (2013). The Evolution of "Hezbollah" in the Context of the Verse of Wilayat; a Picture of the Future Ahead of the Islamic Revolution. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, 11(1): 169-188. [In Persian].
https://www.roir.ir/article_148776.html
33. Ahmadi Ashtiani, Farhad, and Mahdi Ahmadian, (2013). Visualizing the Future of Islamic Awakening Based on the Story of Talut in the Quran. *Quarterly Journal of Islamic Awakening Studies* 11(3): 109-132. [In Persian]
<http://noo.rs/Kpvks>
34. Ahmadian, Mahdi and Mohammad Mahdi Zolfagharzadeh (2019). An Introduction to Quranic Future Thinking: Fundamental Beliefs, Behavioral Patterns, and Research Guidelines. Tehran: National Defense University and Research Center. [In Persian]
35. Barbour, Ian (2000). *Science and Religion*, translated by Bahaeddin Khorramshahi. Tehran: University Publishing Center. [In Persian]
36. Bell, Wendell (2013). *Fundamentals of Future Studies*, translated by M. Taghavi - M. Mohaqeq. Tehran: Center for Future Studies of Science and Technology, Defense Industries Education and Research Institute. [In Persian]
37. Chaprak, Ali, Ghanei-Rad, Seyyed Mohammad Amin and Zolfagharzadeh Mohammad Mehdi (2019). Introducing a New Framework for Futures Studies Epistemology: Social Epistemology; With Emphasis on Criticism and Review of Wendell Bell's Opinions. *Cultural Strategy* 12(48): 49-70. [In Persian]
<http://noo.rs/pkSqW>
38. Fathalikhani, Mohammad (2017). Methodology and Methodology in Islamic Humanities; A Framework for Analysis and Evaluation of Theories of Religious Science and Islamic Humanities. *Qabsat* 23(89): 153-179.
https://qabasat.iict.ac.ir/article_34034.html
39. Inayatullah, Sohail (2007). *Questioning the Future*. Tamkang University.

40. Jamshidi, Mohammad Hossein (2011). *Fundamentals of Methodology of Explanation with Emphasis on Political Thought*. Tehran: Imam Sadeq University. [In Persian]
41. Khomegar, Mohammad (2002). An Introduction to Structural Interpretation of the Quran. *Quranic Studies* 8(29-30): 208-271. [In Persian]
https://journals.dte.ir/article_22290.html
42. Manteghi, Mohsen, Alviiri, Mohsen, Rahmani, Jafar and Reza Abroosh (2018). Presenting a Conceptual Model of Islamic Futures Studies Methodology. *Organizational Culture Management* 16(4): 951-972. [In Persian]
https://jomc.ut.ac.ir/article_70045.html
43. Mohammadloo, Aghaei and Majid Mohammadloo (2012). Ontological and Anthropological Foundations of Traditional Futures Studies. *Strategic Futures Studies Quarterly* 1(1): 141-160. [In Persian]
https://journals.sndu.ac.ir/article_1887.html
44. Mostafavifard, Hamed (2016). The Evolution of Patterns of Science Distinction in the Thoughts of Thinkers. *Philosophical Studies* 18: 125-152. [In Persian]
<https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article14802.html>
45. Motahari, Morteza (2015). *Collection of Works*. Vol. 13, Tehran: Sadra. [In Persian]
46. Naqibi, Seyyed abolghasem (2017). The Purposes of Sharia and Its Place in Deriving Sharia Rulings. *Jurisprudential Studies* 13(2): 223-242. [In Persian]
<https://www.sid.ir/paper/221001/fa>
47. Ojabi, Ali (2016). *Encyclopedia of the Islamic World (Eight Principles in Writing Introductions to Scientific Works)*. [In Persian]
Available at: <https://rch.ac.ir/article/Details/14450>
48. Pasandideh, Abbas (2007). Method of Understanding and Explaining Religious Propositions (Quran and Hadith). *Hadith and Thought Quarterly*, 3, 33-47. [In Persian]
<http://noo.rs/PE6sU>
49. Sabohi, Ali (2019). *Teaching the Basics of Thought*. p=2613. [In Persian]
Available at: <https://alisaboohi.com/?>
50. Sadr, Muhammad Baqir (2015). *Al-Madrasah al-Quran*. Qom: Dar al-Kuttab al-Islamiyyah. [In Persian]
51. Sadr, Muhammad Baqir, (Bita). *Al-Sunan al-Tarikhiiyah fi al-Quran*. Available at the Qaamiyyah Book Bazaar website. [In Persian]
52. Sharifi, Ahmad Hussein (2016). *Methodology of Islamic Human Sciences*. Tehran: Aftab Tose. [In Persian]
53. Shawkani, Muhammad ibn Ali (2013). *Fath al-Qadeer*. Cairo: Dar al-Hadith. [In Persian]
54. Soroush, Abdul Karim (2005). *Fatter than Ideology*. Eighth Edition, Tehran: Sirat. [In Persian]
55. Soroush, Abdul Karim (2005). *The Fun of Craftsmanship; Discourses on Ethics, Craftsmanship, and Human Sciences*, Tehran: Sirat. [In Persian]
56. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (2011). *Principles of Philosophy and Method of Realism*. Tehran: Sadra. [In Persian]

57. Taghavi, Mustafa (2012). Two levels of alternative thinking for technology. *Methodology of Human Sciences* 18(73): 53-84. [In Persian]

https://method.rihu.ac.ir/article_183.html

58. Yves, Surel (2000). The role of cognitive and normative frames in policy-making. *Journal of European Public Policy* 7(4): 495-512.

